

Research Article

Investigating the Obstacles to the Effect of the Moral Teachings of the Holy Quran and Nahjul-Balagha on the Mental Health of the Islamic Society

Mehdi Khosrownejad¹, Hamed Fathaliani^{2*}, Seyyed Hamid Hosseini³

Abstract

Religion and religious teachings, especially the Holy Quran, play a very important role in the mental and spiritual health of the individual and society, and can guarantee the mental health of the individual and prevent the individual and society from suffering from mental and spiritual pressures and harms. The spiritual health of society is understood as a healthy relationship between man and the world of meaning and his movement on the path of divine proximity through the tools of monotheism and belief in the resurrection, piety, and servitude to God. The best and most reliable tools to achieve this goal are the Holy Quran and Nahjul-Balagha, both of which are unique and rich sources of moral and spiritual teachings. By presenting moral principles and values such as honesty, justice, patience, kindness, and forgiveness, the Holy Quran provides comprehensive guidance for individual and social life, which can help form a healthy and mentally stable society. Nahj al-Balagha, a collection of sermons, letters, and aphorisms of Imam Ali (AS), plays an important role in guiding people towards perfection and spiritual growth by emphasizing moral virtues such as piety, courage, wisdom, and justice. The comprehensive systematization of the Commander of the Faithful (AS) in the book Nahj al-Balagha has a spiritual foundation based on the centrality of the Book of God and the Sunnah of the Messenger of Allah (PBUH), and his social systematization is no exception to this rule. His teachings not only help improve social and moral relations, but also strengthen the morale and mental health of individuals. However, specialized and comprehensive research is needed to more accurately examine and analyze the obstacles to the impact of the moral teachings of the Quran and Nahj al-Balagha on the mental health of the Islamic society. This research aims to answer the main research question: "What are the obstacles to the impact of the moral teachings of the Quran and Nahj al-Balagha on the mental health of the Islamic society?"

1. PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran

2. Assistant Professor, Department of Education, Faculty of Humanities, Malayer Branch, Islamic Azad University, Malayer, Iran

3. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

And with a descriptive-analytical method and referring to these two valuable sources, it has examined the obstacles to the impact of moral teachings on the mental health of the Islamic society. These obstacles may include individual factors such as insufficient knowledge of religious teachings, weakness of faith, negative environmental influences and structural factors such as incorrect laws and policies, lack of necessary support from social and religious institutions and weaknesses in educational systems. Removing these obstacles requires comprehensive and coordinated planning in the fields of education, culture building and structural reforms so that by utilizing the profound and valuable teachings of the Holy Quran and Nahjul-Balagha, the desired mental health of the society can be achieved and individuals can be guided on the path of human happiness and perfection.

Keywords: Islamic society, moral teachings, mental health, Holy Quran, Nahjul-Balagha

How to Cite: Khosrownejad M, Fathaliani H, Hosseini SH., Investigating the Obstacles to the Effect of the Moral Teachings of the Holy Quran and Nahjul-Balagha on the Mental Health of the Islamic Society, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2025;16(61): 194-204.



بررسی موانع تاثیر آموزه های اخلاقی قرآن کریم و نهج البلاغه بر سلامت روانی جامعه اسلامی

مهدی خسرو نژاد^۱، حامد فتحعلیانی^۲، سیدحمید حسینی^۳

چکیده

دین و آموزه های اعتقادی به ویژه قرآن کریم نقش بسیار مهمی در سلامت روحی و روانی فرد و جامعه ایفا می کنند و می توانند سلامت روانی فرد را تضمین کرده و مانع ابتلای فرد و جامعه به فشارها و آسیب های روحی و روانی شوند. سلامت معنوی جامعه به مفهوم ارتباط سالم انسان با عالم معنا و حرکت او در مسیر قرب الهی با ابزار توحید و معادباوری، وارستگی و بندگی خداوند است. از بهترین و مطمئن ترین ابزارها برای رسیدن به این مقصود، قرآن کریم و نهج البلاغه می باشند که هر دو منبعی بی نظیر و غنی از تعالیم اخلاقی و معنوی اند. قرآن کریم با ارائه اصول و ارزش های اخلاقی همچون صداقت، عدالت، صبر، مهربانی و بخشش، راهنمایی جامع برای زندگی فردی و اجتماعی ارائه می دهد که می تواند به شکل گیری جامعه ای سالم و با ثبات روانی کمک کند. نهج البلاغه نیز که مجموعه ای از خطبه ها، نامه ها و کلمات قصار امام علی (ع) است، با تاکید بر فضائل اخلاقی مانند تقوا، شجاعت، حکمت و عدالت، نقش مهمی در هدایت انسان ها به سوی کمال و رشد معنوی ایفا می کند.

نظام سازی همه جانبه امیرالمؤمنین (ع) در کتاب نهج البلاغه بر محوریت کتاب خدا و سنت رسول الله (ص) بنیانی معنوی دارد و نظام سازی اجتماعی ایشان نیز از این قاعده مستثنی نیست. آموزه های ایشان نه تنها به بهبود روابط اجتماعی و اخلاقی کمک می کند، بلکه به تقویت روحیه و سلامت روانی افراد نیز می انجامد. با این حال، برای بررسی و تحلیل دقیق تر موانع تأثیر آموزه های اخلاقی قرآن و نهج البلاغه بر سلامت روانی جامعه اسلامی، پژوهش هایی تخصصی و جامع نیاز است. این پژوهش با هدف پاسخ گویی به سوال اصلی تحقیق "موانع تأثیر آموزه های اخلاقی قرآن و نهج البلاغه بر سلامت روانی جامعه اسلامی کدامند؟" و با روشی

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

۲. استادیار گروه معارف، دانشکده ی علوم انسانی، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران

۳. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

توصیفی-تحلیلی و مراجعه به این دو منبع گرانقدر، به بررسی موانع تأثیر آموزه های اخلاقی بر سلامت روانی جامعه اسلامی پرداخته است. این موانع ممکن است شامل عوامل فردی مانند عدم شناخت کافی از تعالیم دینی، ضعف ایمان، تأثیرات منفی محیط و عوامل ساختاری همچون قوانین و سیاست های نادرست، فقدان حمایت های لازم از سوی نهادهای اجتماعی و دینی و ضعف در سیستم های آموزشی باشد. رفع این موانع نیازمند برنامه ریزی های جامع و هماهنگ در حوزه های آموزش، فرهنگ سازی و اصلاحات ساختاری است تا بتوان از طریق بهره گیری از تعالیم عمیق و ارزشمند قرآن کریم و نهج البلاغه، به سلامت روانی مطلوب جامعه دست یافت و افراد را در مسیر سعادت و کمال انسانی هدایت کرد.

واژگان کلیدی: جامعه اسلامی، آموزه های اخلاقی، سلامت روان، قرآن کریم، نهج البلاغه

مقدمه و بیان مسئله

زندگی اجتماعی بشر بر پایه مناسبات اجتماعی و روابط متقابل اعضای جامعه استوار است و «سلامت روانی» به معنای ایجاد ارتباط معقول و منطقی بر اساس مصالح و منافع متقابل میان افراد اجتماع است. این ارتباط معقول منجر به تعادل بین آحاد جامعه می شود که لازمه تداوم حیات بشری است. در بعد فردی، انسانیت انسان در تبلور ارزش های اخلاقی در وجود او شکل می گیرد و استحکام و پویایی رابطه او با خداوند و رشد و شکوفایی استعدادهایش در مسیر دستیابی به کمال مطلق در عرصه کار و عمل، در سایه رویکرد وی به اخلاق نیک حاصل می شود.

گرایش به فضائل اخلاقی امری فطری و مطلق است و نزد همه انسان ها امری پسندیده به شمار می آید؛ بنابراین، هیچ یک از جوامع نمی توانند با هیچ گونه بهانه ای «سلامت جامعه» را نفی کنند. از سوی دیگر، سلامت روانی یک فرد در راستای سلامت روانی جامعه حاصل می شود. جامعه دینی که اسلام را به عنوان یک دین جامعه نگر پذیرفته است، رسالت اصیل دین و حکومت دینی را توسعه اخلاق و نهادینه سازی ارزش های اخلاقی در جامعه می داند. هدف چنین جامعه ای، تربیت دینی افراد برای رسیدن به سعادت و آماده سازی بستری برای شکوفایی استعدادهای انسان در دستیابی به کمال مطلق است (کاویانی، ۱۳۹۷، ص ۷۴). با مراجعه به منابع اصیل اسلام همچون قرآن کریم و نهج البلاغه، می توان عوامل و شرایط آسیب رسان به پیکره «تربیت دینی» را در حیطه فردی مشخص و راهکارهایی برای برطرف نمودن این آسیب ها و گرایشات مخرب ارائه کرد. قرآن کریم با ارائه اصول و ارزش های اخلاقی همچون صداقت، عدالت، صبر، مهربانی و بخشش، راهنمایی جامع برای زندگی فردی و اجتماعی ارائه می دهد که می تواند به شکل گیری جامعه ای سالم و با ثبات روانی کمک کند. نهج البلاغه نیز که مجموعه ای از خطبه ها، نامه ها و کلمات قصار امام علی (ع) است، با تاکید بر فضائل اخلاقی مانند تقوا، شجاعت، حکمت و عدالت، نقش مهمی در هدایت انسان ها به سوی کمال و رشد معنوی

ایفا می‌کند. پژوهش حاضر با هدف پاسخ‌گویی به سوال اصلی تحقیق "موانع تاثیر آموزه‌های اخلاقی قرآن و نهج‌البلاغه بر سلامت روانی جامعه اسلامی کدامند؟" و با روشی توصیفی-تحلیلی، به بررسی موانع تاثیر آموزه‌های اخلاقی بر سلامت روانی جامعه اسلامی پرداخته است. این موانع ممکن است شامل عوامل فردی مانند عدم شناخت کافی از تعالیم دینی، ضعف ایمان، تأثیرات منفی محیط و عوامل ساختاری همچون قوانین و سیاست‌های نادرست، فقدان حمایت‌های لازم از سوی نهادهای اجتماعی و دینی و ضعف در سیستم‌های آموزشی باشد. رفع این موانع نیازمند برنامه‌ریزی‌های جامع و هماهنگ در حوزه‌های آموزش، فرهنگ‌سازی و اصلاحات ساختاری است تا بتوان از طریق بهره‌گیری از تعالیم عمیق و ارزشمند قرآن کریم و نهج‌البلاغه، به سلامت روانی مطلوب جامعه دست یافت و افراد را در مسیر سعادت و کمال انسانی هدایت کرد.

پیشینه تحقیق

در راستای دستیابی به موانعی که موجب عدم تاثیر آموزه‌های قرآنی و نهج‌البلاغه بر سلامت روانی جامعه می‌گردد مطالعاتی چند انجام شد که مهم‌ترین آن‌ها در ادامه آمده است. عبدالرضا شیبانی در سال ۱۳۹۲ در پایان نامه اخذ درجه کارشناسی ارشد خود با عنوان "بررسی تطبیقی ارزشهای اخلاق اجتماعی در قرآن و عهدین" بیان می‌دارد که به خاطر اهمیت ارزش‌های اخلاقی در کتاب (قرآن و عهدین) به بررسی اشتراکات و امتیازات ارزش‌های اخلاقی در سه حوزه خانواده، جامعه و محیط زیست پرداخته است. فاطمه حیاطی در سال ۱۳۸۸ در پایان نامه اخذ درجه کارشناسی ارشد خود با عنوان "بررسی نسبیت اخلاقی از دیدگاه قرآن و روایات" بعد از بیان دیدگاه و مکاتب اخلاقی مختلف، نسبیت اخلاقی از دیدگاه قرآن را بررسی می‌کند و دلایل اطلاق از دیدگاه قرآن را ثبات خداوند متعال بعنوان مبدأ ارزش گذاری اخلاقی، وحدت دین، اشتراک پیام اصلی همه انبیاء عنوان کرده است. در پایان به حل تعارض‌های دیدگاه مسلمانان و اندیشمندان غرب پرداخته است. در پایان نامه‌ای دیگر از نصرت نصرآبادی، (۱۳۷۹) تحت عنوان "تربیت اخلاقی از نظر شهید مطهری و ویلیام جیمز" یکی از عوامل عمده و موثر بر تحولات اساسی تعلیم و تربیت در قرن حاضر را تاثیر اندیشه‌های متفکران و مربیان بزرگ در فرایندهای تربیتی است. در این تحقیق به ملاک تشخیص حسن و قبح اعمال اخلاقی، ماهیت، تفاوت، مشمولیت و جامعیت تربیت اخلاقی از دیدگاه استاد مطهری و جیمز پرداخته شده است. نرجس ملک محمدی، (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان "نقش نظام هستی‌شناختی قرآن در ارتقای اخلاق زیست محیطی" بیان می‌کند که تمام اجزای هستی مانند انسان هدفمند آفریده شده اند و در مسیری هماهنگ با سیر کمال انسانی در حرکت است بنابراین مراعات اخلاق زیست محیطی در مسیر تکوینی آن است و نظام هستی‌شناختی قرآن می‌تواند در ارتقای اخلاق زیست محیطی نقش چشمگیری داشته باشد. همانگونه که مشهود است نکته‌ای که در این مطالعات به آن توجهی نشده

است وجود عوامل منع کننده ی تاثیر آموزه های قرآنی بر سلامت روان فرد و جامعه می باشد. بنابراین دستیابی به این مقصود شناخت مفاهیم مرتبط با علم اخلاق و واکاوی آن ها از دیدگاه قرآن کریم و نهج البلاغه است که ادامه آورده شده است.

علم اخلاق و شاخه های آن

علم اخلاق از جمله دیرینه ترین دانش های بشری و از دیرباز دغدغه بشر بوده، به طوریکه در کهن ترین متون بر جای مانده از فرهنگ های مختلف توجه بسیاری به آموزه های اخلاقی شده است. در تعریف واژه اخلاق می توان گفت که جمع خُلق و خُلُق و در لغت به معنی "مفاهیم خوی ها، طبیعت باطنی، سرشت درونی، طبع، مروت، خوش رفتاری" است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۳۲).

کسانی همچون ابوعلی ابن مسکویه و خواجه نصیرالدین طوسی و دیگر عالمان در کتب خود تحت عنوان "ابن مسکویه"، "اخلاق ناصری" و "المحجۃ البیضاء" اشاراتی در این باب داشته اند و هرکدام شاخه ای از این علم را معرفی کرده اند. از میان این شاخه های متعدد، سه شاخه اصلی را می توان نام برد؛ اخلاق توصیفی، اخلاق هنجاری یا دستوری و فرا اخلاق. اخلاق توصیفی چیزی است که جامعه شناسان، روانشناسان، مورخان و انسان شناسان به آن می پردازند به طوری که پالمر بیان می دارد که "هر گزاره اخلاقی را که در صدد توصیف اخلاقی یک فعل انسانی، از نظر یک شخص خاص، یک قوم خاص و یا به طور کلی، از یک دیدگاه خاص است، اخلاق توصیفی می نامند" (پالمر، ۱۹۹۵: ۱۱). اخلاق دستوری یا اخلاق هنجاری در حوزه فلسفه با ارائه مجموعه ای از قواعد و معیارها در پی تعیین بایدها و نبایدهای اخلاقی است. از جمله دیدگاه های این حوزه میتوان به دو دیدگاه "غایت گرایی" و "وظیفه گرایی" اشاره نمود. غایتگرایی مکاتب متعددی همچون کورتالیسم، اپیکوریسم، مکتب جرمی بنتام، مکتب استوارت میل و مکتب کمال گرایی فریدریش نیچه را در برمی گیرد که در تمامی آن ها نهایت اعمال اخلاقی فرد باید در جهت منافع عمومی جامعه باشد. نظرگرایان اما بر این اصل پایبندند که خوبی و بدی، عمل مبتنی بر نتایج آن نیست؛ بلکه ویژگی های خود عمل است که مشخص می کند آن عمل، خوب یا بد است (مصباح یزدی، ۱۳۷۴: ۱۴۰). از جمله نظریه پردازان این دیدگاه کانت است که امر اخلاقی را فقط اوامر مطلق می داند، نه اوامر مشروط (صانعی، ۱۳۶۸: ۱۷۹). فرا اخلاق، به تحلیل فلسفی در باب تعبیر اخلاقی، مانند خوب و بد و باید و نباید می پردازد؛ از این رو، اخلاق، ناظر به اخلاق دستوری، و در پی آن است و این سوال را مطرح می کند که: "آیا خوبی واقعیت خارجی دارد با مفهوم انتزاعی است؟" این شاخه از فلسفه اخلاق، ظهور و بروز بیش تری یافته است (پالمر، ۱۹۹۵: ۱۱). نظریات در حوزه فرا اخلاق را می توان در سه عنوان کلی گنجاند؛ طبیعت گرایی اخلاقی (قابل تعبیر بودن تمام گزاره های اخلاقی را به گزاره های غیر اخلاقی بویژه

گزاره‌های واقعی تحقیق پذیر یا اثبات پذیر. (مور، ۱۹۰۳: ۳۰۳)، غیرطبیعت‌گرایی اخلاقی یا شهودگرایی (تشخیص صادق یا کاذب بودن گزاره اخلاقی از طریق شهود (همان: ۹))، غیرشناخت‌گرایی اخلاقی (قضایای اخلاقی برخلاف دو نظریه قبل غیر شناختی‌اند (همان: ۹۸)). در نهایت باید بیان داشت که تمامی شاخه‌های علم اخلاق در راستای به سعادت رساندن انسان از اصولی پیروی می‌کنند تا قالبی برای روح انسان و چگونگی آن تبیین نمایند. به عبارت دیگر علم اخلاق، علم قالبهای کلی برای چگونگی زیستن متعالی و با قداست می‌باشد (مطهری، ۱۳۷۵: ۴۷). سروش نیز در رابطه با اخلاق بیان می‌کند: یکی از مهم ترین انتظاراتی که ما از دین داریم این است که به ما اخلاقیات و ارزش‌های اخلاقی را بیاموزد و خوب و بد، فضیلت و رذیلت و راه سعادت و شقاوت را تعلیم دهد (سروش، ۱۳۷۳: ۵-۶). صاحب‌نظران بسیار دیگری همچون نراقی، علامه طباطبائی، باقری و ... نیز به همین موارد اشاراتی نموده‌اند. با توجه به این موارد، تبیین ارزش‌ها و اصول اخلاقی در دین اسلام نیازمند شناخت مفاهیم و مضامین اخلاق نیک از دیدگاه دو منبع اصیل اسلام، قرآن و نهج البلاغه می‌باشد که در ادامه آمده است.

مفاهیم و مضامین اخلاق نیک از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه

کتاب قرآن کریم و نهج البلاغه حاوی مفاهیم و مضامین بسیاری در این قلمرو و دیگر حوزه‌هاست. از این رو برای تعیین اهمیتی که اسلام به بعد اخلاقی می‌دهد می‌توان با مراجعه به قرآن کریم به بررسی بسامد و فراوانی این مفاهیم پرداخت و برای فهم معانی آنها به بررسی تفاسیر گوناگون رجوع نمود. مطالعات در این حوزه نشان داد که می‌توان این مفاهیم و تفاسیر را تحت عناوین اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی و اخلاق محیط زیست بیان نمود.

"اخلاق فردی" اولین نمود ظهور یک شخص در جامعه می‌باشد. فضایل و رذایل مربوط به حیات فردی انسان‌ها، فارغ از رابطه با غیر در اخلاق فردی بحث می‌شود. از جمله حقوقی که فرد نسبت به خودش دارد و در آیات قرآن به آن اشاره شده خودشناسی، کار و تلاش و حفاظت از جسم و تن می‌باشد. در رابطه با خودشناسی در آیه‌های ۱ و ۲ سوره انسان آمده است؛ "إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا" _ ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم، و او را می‌آزماییم؛ (بدین جهت) او را شنوا و بینا قرار دادیم _ در تفسیر آمده است؛ ما انسان را از نطفه ای خلق کردیم که اجزایی مختلط و آمیخته داشت، در حالیکه او را از حالتی به حالت دیگر انتقال می‌دهیم، (نطفه - علقه - مضغه ...) و او را جهاز شنوایی و بینایی عطا کردیم و وی را شنوا و بینا نمودیم تا دعوت الهی را از زبان انبیاء بشنود و آیات دال بر توحید، نبوت و معاد را مشاهده کند. (طباطبائی، ترجمه موسوی همدانی، ج ۲۰، ۱۳۶۳: ۹۵). همانطور که از تفسیر پیداست این آیه انسان را به تأمل و شناخت خود دعوت می‌کند. در آیه ۹۷

سوره نحل در رابطه با کار و تلاش آمده است؛ "مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ" - هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم؛ و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد - تفسیر این آیه بیان میکند که عده جمیل و حکم کلی برای هر فرد مؤمنی است که عمل صالح انجام دهد و تنها قید آن ایمان است، چون عمل بدون ایمان باطل و بی اجر است و اثری بر آن مترتب نمی‌شود. آنگاه می‌فرماید: خدای متعال هر مؤمنی را که عمل شایسته کند به حیات جدیدی غیر از حیات عمومی که به دیگران نیز بخشیده، زنده می‌کند، یعنی حیات جدیدی به او افزوده می‌نماید (همان، ج ۱۲: ۴۹۲). در رابطه با سلامت جسم و تن در آیه ۱۱۹ سوره انعام آمده است "وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا دُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرَّرْتُمْ إِلَيْهِ" - چرا از چیزها [= گوشتها]ی که نام خدا بر آنها برده شده نمی‌خورید؟! در حالی که (خداوند) آنچه را بر شما حرام بوده، بیان کرده است! مگر اینکه ناچار باشید؛ (که در این صورت، خوردن از گوشت آن حیوانات جایز است - تفسیر: در این آیه پروردگار به نحو استفهام تعجبی از مردم سؤال می‌کند که چرا از خوردن حیوان مذکی خودداری می‌کنید و حال آنکه خداوند محرمات را قبلاً برای شما بیان کرده و موارد اضطرار را هم قبلاً استثناء نموده و گوشت حیوان تزکیه شده جزء این محرمات نیست (همان ج. ۷: ۴۵۸).

مورد بعدی که همان "اخلاق اجتماعی" می‌باشد به تعیین نحوه تعامل فرد با سایر افراد چه در جامعه و چه در خانواده می‌پردازد. بر اساس این دیدگاه فردی در اجتماع داراری اخلاق نیک است که در جامعه کوچک خانواده خود به درستی تربیت اخلاقی شده باشد. در همین راستا قرآن کریم تاکید بیشتری بر مجموعه‌ای از اخلاق نیک داشته است که عبارتند از؛ نیکی به والدین (وَصَيِّبَا الْإِنْسَانِ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا (الأحقاف/ ۱۵))، انجام وظائف همسری (وَالْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلِينَ كَامِلِينَ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْمِ الرِّضَاعَةَ (البقرة/ ۲۳۳))، تربیت فرزندان (يَا بَنِي أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (لقمان/ ۱۷))، نیکی به ایتام، نزدیکان (همسایگان، شاگردان، معلمان) و مستمندان (يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالتَّيَّمَاتِ وَالْمَسْكِينِ (البقرة/ ۲۱۵))، صبوری در مقابل دشمنان و مشرکان (وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا (المزمل/ ۱۰)).

در رابطه با "اخلاق زیست محیطی" انسان آیه ۸۱ سوره طه بیان می‌دارد "كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ" - بخورید از روزیهای پاکیزه‌ای که به شما داده‌ایم؛ و در آن طغیان نکنید، که غضب من بر شما وارد شود و هر کس غضبم بر او وارد شود، سقوب می‌کند - تفسیر آن است که امر در این آیه، امر اباحی است، یعنی می‌توانید از این

نعمتها و روزیهای پاکیزه بهره ببرید، اما با کفران نعمت و عدم سپاسگزاری در مورد آنها طغیان نورزید (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۴: ۲۶۲).

اهداف تربیت اخلاقی در قرآن کریم

تبیین هدف در تربیت اخلاقی، بسیار حائز اهمیت است. شرط لازم تحقق، آن است که انسان با انتخاب هدف، نحوه زندگی خود را مشخص می‌کند و اهداف اخلاقی بشر عامل تعیین‌کننده خصوصیات و خصلت‌های اوست. هدف از تربیت اخلاقی، متخلق شدن انسان به اخلاق الهی و انجام دستورهای خداوند برای سازندگی روح و روان آدمی است تا با تحقق آن به قرب الهی نائل گردد و به سعادت و کمال درسایه‌ی آن دست یابد. به عبارت دیگر هدف از تربیت اخلاقی در قرآن، افزایش مراتب و درجات قلبی در سایه‌ی معرفت الهی است تا شخص شایستگی لازم را برای تقرب به خدا بدست آورد (سادات، ۱۳۸۰: ۳۳). علاوه بر هدف کلی اهداف جزئی نیز وجود دارند که زمینه ساز رسیدن به هدف کلی می‌باشند برای دستیابی به اخلاق قرآنی و سعادت و کمال جاودانه، انسان از مسئولیت‌ها و وظایفی برخوردار است این وظایفی است که فرد در برابر خدا، خود، دیگران، یا نظام خلقت دارد. این اهداف جزئی شامل دستیابی به "اخلاق فردی"، "اخلاق اجتماعی" و "اخلاق زیست‌محیطی" می‌باشد.

همانطور که پیشتر نیز اشاره شد در بحث اخلاق فردی برای متخلق شدن به اخلاق الهی و در نتیجه رسیدن به قرب الی الله بحث خودشناسی مطرح می‌باشد "من عرف نفسه فقد عرف ربه"؛ (تمیمی، ترجمه راشدی، ۱۳۸۸: ۲۳۲) هر که خود را شناخت، خدای خویش را شناخته است و همچنین کسب فضایل و مکارم اخلاقی در سایه‌ی ایمان به خدا و جهان آخرت (امانت، صداقت، وفاداری، درستکاری و.....). در بحث اخلاق اجتماعی توجه به ایفای نقش پدر و مادر و فرزندان در تکمیل و بقای یکدیگر توجه به مسئولیت فرد در قبال همسایگان، ایتم و مستمندان و... در نظر گرفته می‌شود. در نهایت امر اخلاق زیست محیطی مطرح می‌گردد به طوریکه طبیعت با همه پیچیدگی‌ها و ظرافت‌هایی که دارد آفریده‌ی آفریدگار جهان است و مظهر ذات حق است. در ادیان آسمانی بخصوص اسلام به موضوع محیط زیست به گونه عمیق و برجسته توجه شده است؛ تا جایکه حفاظت از محیط زیست به عنوان بخشی از اعمال عبادی و ارزشی است و برای عمل‌کنندگان به دستورات اسلام در این زمینه پاداش و مزد آن جهانی نیز در نظر گرفته شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۱۵۷).

دستیابی به اهداف تربیت اخلاقی نیازمند مبانی می‌باشد تا در نهایت منجر به شناخت شیوه‌های تربیت اخلاقی در قرآن می‌گردد. منظور از این مبانی در اصطلاح دانشمندان تربیتی گزاره‌هایی است که بیانگر موقعیت، امکانات، محدودیت‌ها و ضرورت‌های حیات انسانی است. مبانی هر مکتب، نوع اصول ارزشی و تربیتی آن مکتب را مشخص می‌کند (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷: ۱۸). اصلی‌ترین این

مبانی عبارتند از؛ توحید (اهمیت خداشناسی به دلیل آثار آن در حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها)، فطرت (مبدأ همه فضایل انسانی)، اختیار (آزادی در انجام افعال) و معرفت پذیری (اهمیت خودشناسی). این مبانی در نهایت امر موجب شناخت شیوه‌های تربیت اخلاقی در قرآن می‌گردد که ادامه آمده است.

شیوه‌های تربیت اخلاقی در قرآن کریم

تبیین شیوه‌های تربیت اخلاقی در قرآن کریم نیازمند تعیین اهداف و در نتیجه آن مبانی است که پیش‌تر مورد بحث قرار گرفت. حال بر اساس اهداف و مبانی می‌توان شیوه‌های تربیت اخلاقی را به انواعی تقسیم نمود که عبارتند از؛ روش حبّ عبودی، روش موعظه و نصیحت، روش الگوسازی با بیان داستان و مثال، روش پرسش و پاسخ، امر به معروف و نهی از منکر، روش مواجه شدن با نتایج اعمال، روش تکلیف به اندازه توان، روش ایجاد انگیزه، روش تفکر و مطالعه، روش تشویق و تنبیه. این روش‌ها به طور مختصر در ادامه آمده است.

روش حبّ عبودی مهم‌ترین روش تربیت اخلاقی مبتنی بر توحیدی و مبنای اسلام است، بدین معنا که محبت از روی عبودیت فرد و ناشی از شناخت توحیدی نسبت به خداوند است؛ محبتی که همه نقایص و تمایلات انسان را پاسخ می‌دهد. این روش به معنای ترجیح دادن جانب خدا بر جانب بنده؛ رضای خدا را بر رضای خود ترجیح دادن؛ از حق خود به خاطر حق خدا گذشتن و از خشم خود به خاطر خشم خدا صرف نظر کردن؛ این محبت انسان را به کارهایی و می‌دارد که عقل اجتماعی نمی‌پسندد. چون ملاک اخلاق اجتماعی، همین عقل اجتماعی است. محبت انسان را به کارهایی و می‌دارد که فهم عادی که اساس تکالیف عمومی و دینی است، آن را نمی‌فهمد (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۶۳: ۵۴۲).

روش موعظه و نصیحت این روش با توجه به فطرت اجرا می‌شود؛ موعظه یعنی کارهای نیک به گونه‌ای تذکر داده شود که قلب شنونده از شنیدن بیان آن رقت پیدا کند و در نتیجه تسلیم شود. (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۶۳: ۳۷۳). موعظه و نصیحت باید با توجه به سه نکته انجام شود: اول اینکه شفقت و خیر اندیشی موعظه گر باید در موعظه اش نمودار باشد. ثانیاً زبان موعظه باید نرم باشد تا لجاجت را مهار سازد و سومین نکته این است که پند در درجه ی نخست باید بر کنار از حضور جمع صورت پذیرد (باقری، ۱۳۹۰: ۲۱۶). در این روش، محور قرار دادن توحید و تذکر به این حقیقت، مهم است و باید با محبت و برانگیختن احساسات همراه باشد.

روش الگوسازی با بیان داستان و مثال یکی از روش‌های موثر در تربیت اخلاقی است، انسان به طور طبیعی تحت تاثیر افکار، عقاید، گفتار، رفتار و حرکات دیگران، به ویژه پدر و مادر و مربیان قرار می‌گیرد

و براساس آن شخصیت، رفتار و اعمال خود را شکل می‌دهد. به این گونه افراد که مورد توجه دیگران قرار می‌گیرند الگو گفته می‌شوند، مربی باید حالات مطلوب مربی را که عملاً در وجود کسی آشکار شده، به او نشان دهد و البته نخست سزاوار است که در وجود خود مربی، اسوه ی نیکویی برای مربی باشد. اسوه سازی در درجه اول و به طور اساسی در شرایط واقعی اجتماعی مورد نظر است، اما حاصل آن این است که شخصیت‌های تاریخی نیز الگوی عمل به شمار می‌آیند. (باقری، ۱۳۹۰: ۱۴۴). بنابراین، روش داستان و مثال برای الگوسازی علمی در تربیت اخلاقی، در صورتی که حول محور توحید باشد، بسیار مؤثر واقع خواهد شد.

یکی از شیوه‌های پرورش استعدادها، مطرح کردن موضوع مورد نظر در قالب پرسش است. با اجرای روش پرسش و پاسخ، به جای تعدادی باسوادهای سطحی، صاحب‌نظرانی متفکر تربیت می‌شوند که اهل معرفت‌اند. (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۰۲-۱۰۳). قرآن کریم در راه پرورش نیروی معرفت و تفکر، برای کامل شدن شناخت افراد و رسیدن به عبودیت از این روش استفاده کرده است. در روش پرسش و پاسخ، القای اطلاعات، همراه با تفکر حول محور مورد نظر صورت می‌گیرد. از این روی، ماندگاری اثر آن بیشتر خواهد بود.

امر به معروف و نهی از منکر قرآن کریم بیان می‌کند شما بهترین امت هستید؛ زیرا به نیکی امر و از زشتی‌ها نهی می‌کنید، در حالی که به خداوند ایمان دارید. یعنی امر و نهی شما حول محور توحید است.

بنابر مبنای اختیار و مسئولیت‌پذیری انسان، یکی از روش‌های تربیت اخلاقی، مواجه شدن فرد با نتایج اعمال خویش است تا با آگاهی از نتایج مثبت یا منفی آن، برای انجام دادن دوباره عمل، دلسرد یا تشویق شود. در این روش، فرد بر اساس مبنای حبّ ذات می‌کوشد به گونه‌ای عمل کند که زیانی متوجه او نشود. بنابراین، فرد وقتی دانست نتیجه عمل او به خودش باز می‌گردد و دنیا هر لحظه صحنه آزمایش اوست، متوجه امر آخرت شده و به اصلاح نفس می‌پردازد؛ به عبارت دیگر، به تربیت اخلاقی خود مشغول می‌شود.

یکی از شرایط اختیار آدمی، قدرت می‌باشد، برای اینکه هر فرد بتواند به اندازه ی قدرت و توان خویش برخی از تکالیف اخلاقی را انجام دهد، لازم است تکالیفی به همان مقدار برای او معین گردد. از این رو با توجه به روش تکلیف به اندازه توان، افراط و تفریط در واگذاری انجام امور به افراد، زیان‌های فراوانی به آنها وارد خواهد ساخت، بنابراین باید ابتدا با شرایطسنی، هوشی و جنسی افراد و توان و استعدادهای آنان آشنا شد و سپس به قدر توان و استعداد آنها برخی از امور اخلاقی را متناسب با شرایط آنان، از آنها درخواست کرد.

با توجه به روش ایجاد انگیزه می توان بیان کرد؛ تاثیری که نیت انسان روی کار را از مسیر نیت در تکامل نفس و رسیدن انسان به سعادت ابدی دارد، یک تاثیر طبیعی و تکوینی است، نه قراردادی. یعنی اگر در عملی نیت نباشد یا نیت صحیحی نباشد، آن عمل موجب کمالی برای نفس نخواهد بود. پس اصل خود نیت است که رابطه ی تکوینی با آن عمل دارد و به آن حیاط می دهد (مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ۱۰۱)

در روش تفکر و مطالعه اگر انسان بخواهد از اختیار خود بخوبی استفاده نماید ضروری است شناخت کافی از توانایی ها، استعدادها و ضعف های خود داشته باشد و این امر با (مطالعه و تفکر) محقق می گردد. اگر انسان درباره ی توانایی ها و ضعف های خود مطالعه و تفکر کند، به همان مقدار با تکالیف، وظایف و مسئولیت های خویش آشنا می شود و با استفاده از شناخت و قدرت خویش، به آنها عمل می نماید و وظیفه ای بیش از آن بر دوش او سنگینی نمی کند.

اسلام هر دو شیوه ی تشویق و تنبیه را در چارچوب خاص خود می پذیرد، زیرا نیکی و بدی را یکسان نمی بیند و به نیکوکار و بدکردار، یکسان پاداش نمی دهد (حسینی، ۱۳۸۵: ۱۲۰-۱۱۹). تشویق و تنبیه در قرآن کریم از جایگاه ویژه ای برخوردار است، ۳۰۰ آیه درباره موضوع تشویق و ۷۰۰ آیه به عامل تنبیه اشاره دارد. قرآن کریم با توجه به رعایت مراتب گوناگون پاداش و کیفر از عوامل مادی و غیر مادی، عاطفی و غیر عاطفی برای تشویق و تنبیه استفاده کرده است.

بهداشت روانی جامعه از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه

قرآن کریم درباره بهداشت روان و راه های تأمین آن آموزه های بسیاری دارد، البته استفاده از آموزه های آن در عین ضرورت محدودیتهایی در طرح دارد که به بعضی از آنها اشاره می کنیم؛ ۱. این کتاب مقدس، کتاب هدایت است و در آن مجموعه ای از دستورات، پندها، موعظه ها و قصص مطرح شده است که هر کدام به جنبه ای از زندگی انسان نظر دارد و از آن آموزه ها می توان قواعد و دستورالعمل هایی که بهداشت روانی را تأمین می کند، استفاده کرد؛ وگرنه قرآن کتاب بهداشت روانی نیست و در آن مباحث بهداشت روانی و سر فصلهای آن که در دهه های اخیر ابداع شده اند و در حال تکامل می باشند، به صورت منظم مطرح نشده است، لذا تحقیق در این موضوع و ارتباط مطالب بهداشت روانی با توصیه های اسلام به سه صورت می تواند صورت گیرد:

الف. بعضی از موضوعات مشترک در بهداشت روانی و تعلیم اسلامی آمده است، گرچه نامگذاری و سر فصلی مشخص در روایات و آیات قرآن برای آنها ذکر نشده است، مثلاً اصل مثبت اندیشی در مباحث بهداشت روانی مطرح گردیده و همین مطالب در آیات، روایات و دعاها مورد تأکید قرار گرفته است. برای مثال در قرآن روح امید با توکل بر خدا و نفی ناامیدی وَلَا تَیَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ یوسف/ ۸۷) در انسان

دمیده می‌شود. از امیرمؤمنان علیه السلام حکایت شده است: «چشمت را بر خار و خاشاک زندگی ببند تا همیشه راضی باشی» («اغض علی القذی والالم ترض عنه ابدًا» / سید رضی نهج البلاغه، حکمت/ ۲۱۲). امام موسی بن جعفر علیه السلام هم در دعای جوشن صغیر به این مطالب اشاره می‌نماید.

ب. استفاده و استنتاج یک قاعده کلی از مباحث بهداشت روانی و تطبیق آن قاعده بر احکام و دستوراتی که با این قاعده تطابق دارد. مثلاً احساس امنیت را از اصل بهداشت روانی استفاده می‌کنیم و می‌توانیم این قاعده را بر سلام کردن تطبیق دهیم؛ بدین گونه که سلام دادن اطمینان و امنیت به طرف مقابل است و اینکه از طرف ما خطری متوجه طرف مقابل نیست. بسیاری از شناختها و رفتارهای اسلامی نیز که باعث احساس ایمنی در فرد می‌گردد، از همین گروه است. هم چنین نیاز به «عزت نفس» را از بهداشت روانی می‌توان استفاده کرد و آن را بر احترام گذاشتن به افراد که در آیات سوره حجرات و مجادله و... و روایات آمده است تطبیق داد. بدین گونه که احترام به افراد باعث عزت نفس آنان می‌گردد و از این جهت بهداشت روانی آنان تأمین می‌گردد.

ج. دستورات و توصیه‌هایی که در تعالیم اسلامی آمده است و بر بهداشت روانی افراد تأثیر بسزایی دارد. در حالی که در مباحث بهداشت روانی مصطلح اثری از آن نیست، مانند: تأثیر زیاده خواهی بر اختلالات روانی و تأثیر بی رغبتی به دنیا در تأمین بهداشت روانی.

۲. مباحث مطرح در بهداشت روانی حاصل افکار و تجربه بشر است و در آن تغییر و تکامل وجود دارد، ولی تعالیم قرآن چون از طرف خداوند است، تغییر و تحول ندارد. لذا نمی‌توان آیات و روایات را بر افکار بشر تطبیق داد، چه بسا تعالیم اسلام در پی تبیین مطالب عمیق تری می‌باشد که افکار بشر به آنها دسترسی ندارد. .. و اگر این تطبیق به تحمیل نظر منتهی شود، تفسیر به رأی خواهد شد که ممنوع است. از این رو علوم بشری را برای فهم بهتر آیات می‌توان استخدام کرد یا حقایق قرآنی را به عنوان موضوعات و نظریه‌های جدید علمی به دانشمندان عرضه کرد تا شواهد تجربی آن را پژوهش کنند.

در اینجا لازم است به این سؤال پاسخ داد که با توجه به این نقص مکاتب روان شناسی، چگونه می‌توان از این علوم برای پی بردن به آموزه‌های قرآن کریم استفاده کرد. در جواب می‌گوییم هدف ما این است که از روش‌ها و پیشرفت‌های حاصله و راه حل‌های ارائه شده توسط روان شناسان برای برطرف نمودن اختلال‌های روانی استفاده و اختلال‌های روانی را با راهکارها و آموزه‌های دینی برطرف می‌کنیم. مثلاً نظریه ای که مبتنی بر راه حل شناختی و رفتاری است را از روان شناسی استفاده می‌کنیم، ولی در تغییر شناخت فرد و اصلاح رفتار به سراغ آموزه‌های اسلام می‌رویم و از این طریق راهکارهای جدیدی را که برگرفته از تعالیم اسلام است، ارائه می‌دهیم.

راهکارهای رفتاری قرآن در راستای تأمین بهداشت روانی

در برخی آیات قرآن به دو مسئله رویکرد شناختی (نظری) و رفتاری (عملی) و تأثیر آنها بر سلامت و بهداشت روان اشاره شده است. راهکارهای شناختی «ایمان به خدا» و راهکار رفتاری «عمل صالح» یا «اصلاح» معرفی شده است. ایمان به خداوند همانطور که در آیه باعث امنیت روانی انسان می‌گردد. چنین ایمانی در بسیاری از آیات اشاره شده است، همچون "قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ" (آل عمران / ۲۶)، "وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا" (فتح / ۲۱)، "وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ" (بقره / ۲۱۶) و ... امنیت روانی که در پی احساس امنیت در سایه توحید حاصل می‌شود را میتوان زیربنای بهداشت روانی دانست. همچنین حضرت علی (ع) می‌فرماید: «جز پیوند به خداوند متعال چیزی تو را آرام نمی‌کند. چنین احساس امنیتی حاصل احساس آزادی نسبی از خطر است که در پی آن وضع خوشایندی را ایجاد شده و فرد آرامش روحی و جسمی می‌یابد (شاملو، ۱۳۷۸: ۹۱). اصل اثبات‌شده‌ی تأثیر ایمان در بهداشت روانی با توجه به آیات قرآن کریم ثمراتی همچون "توکل به خدا"، "رضا و تسلیم"، "امیدواری به رحمت خداوند"، "یاد خدا"، "دعا و درخواست از خدا"، "اعتقاد به قضا و قدر الهی"، "نبوت پیامبر الهی" و "اعتقاد به معاد" دارد. چنین ثمراتی در پی اصلاح شناخت و نگرش فرد به زندگی حاصل می‌گردد. به صورت کلی می‌توان بیان کرد ایمان به خداوند بر رفتار و عملکرد انسان تأثیر دارد و زمینه اصلاح رفتار او برای رسیدن به کمال و سعادت را فراهم می‌آورد. اگر فرد رفتارش طبق فرامین الهی باشد نیازهای مادی و معنوی اش برآورده می‌گردد و بهداشت روانی تأمین می‌شود. در دین اسلام و کتاب آسمانی قرآن چندین راهکارهای رفتاری در ابعاد خانواده، اجتماع و اقتصاد ارائه شده است. در بعد خانواده، خداوند در آیه "خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً" (روم / ۲۱) بر لزوم ازدواج و انجام وظایف تاکید نموده است تا در نتیجه آن سلامت روان فرد و تک تک اعضای خانواده تأمین گردد. در بعد روابط اجتماعی کلام خداوند از لزوم ارتباط با دیگران تحت عنوان اساسی‌ترین نیاز انسان بحث می‌نماید. چنین نیازی در ارتباط مستقیم با رفتار نیک با سایر افراد جامعه می‌باشد که در آیه ۳۶ سوره نساء (وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْأَجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْأَجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ) به آن تأکید شده است. پیامبر اسلام و ائمه: دستورات زیادی را در مورد چگونگی رعایت حقوق همسایگی (صدوق، الفقیه، ۶۲۳/۲) بیان کرده اند. اگر مسلمانان به این دستورات عمل کنند، در حصول آرامش روانی آنها مؤثر می‌باشد و چنین فردی از سوی همسایگانش نیز احساس ایمنی می‌نماید. چنین ارتباطات اجتماعی بر تمام جنبه های سلامتی اثر دارد. حسن خلق، تواضع، بردباری و شرح صدر، عفو و گذشت، مدارا کردن، توجه به ظرفیت روانی

افراد، تعدیل توقّعات، خوش گمانی و تفسیر مناسب، تغافل، راز داری، انصاف، از جمله صفات مناسب اخلاقی است که به روان شدن روابط کمک می‌کند.

موانع بهداشت روان از دیدگاه اسلام

با توجه به پیشرفت تکنولوژی در عصر حاضر انسان امروز از یک سری از مسائل و دغدغه‌های روانی رنج می‌برد که می‌توان آن‌ها را به نوعی مانع دستیابی او به سلامت روان دانست. از جمله مهم‌ترین آن‌ها میتوان به این موارد اشاره نمود؛ تنهایی، نداشتن پناهگاه، پوچی و بی‌هدف بودن زندگی، دغدغه پیرشدن و تصور وحشتناک از مرگ، احساس ناخشنودی و عدم اشباع کامل، بدبینی آزار دهنده، احساس گناه و شرمساری، روی آوردن به زندگی تجملی. چنین دغدغه‌هایی موانع اجتماعی بوده که در پی زندگی در اجتماع ایجاد شده است. موانع فردی در قرآن کریم و نهج البلاغه تبیین شده است. مهم‌ترین این موانع در ادامه آورده شده است.

خودخواهی و منیت منشاء تمام فسادهای عالم و در واقع پوششی است برای پوشاندن و مخفی کردن اعتماد به نفس و خودباوری ضعیف است. ظن حالاتی بین یقین و شک است که این حالت در اصل چیزی را ثابت نمی‌کند که پیروی از آن در آیه ۳۶ سوره اسرا «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» منع شده است. چرا که حدس و گمان نتیجه ای جز گمراهی انسان از مسیر فطرت الهی و اختلال در عملکرد روح و روان نخواهد داشت. تعصب آفتی است که سلامت روح و روان را تحت الشعاع قرار میدهد و عبارت است از سعی نمودن در حمایت خود یا چیزی که به خود نسبت دارد به قول یا فعل (نراقی، ۱۳۹۲: ۲۵۴). در آیه ۱۱۳ سوره بقره آمده است «وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتْ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَ قَالَتِ النَّصَارَىٰ لَيْسَتْ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتَّبِعُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» و حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: «شیطان به خاطر اصل خلقت خود بر (آدم) تعصب، ورزید و آفرینش او را مورد سرزنش قرار داد و گفت مرا از آتش و تو را از گل ساخته» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲). در مورد سوء ظن و بدگمانی خداوند در آیه ۱۲ سوره حجرات می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمانها بپرهیزید چرا که بعضی از گمانها گناه است». اعمال ناصالح انسان موجب حجاب قلب و غبار و زنگار بر روی روح و روان انسان میشود به طوری که فرد سلامت روحی خود را از دست میدهد و از درک حقایق عاجز می‌شود. این همان زنگاری است که در آیه ۱۴ سوره ی مطفین بر آن تاکید شده است: «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ». کوری قلب از جمله موانعی است که در تضعیف سلامت روح و روان نقش اساسی دارد به طوریکه حضرت علی (ع) می‌فرماید همانا خدای سبحان و بزرگ یاد خود را روشنی بخش دلها قرار داد تا گوش پس از ناشنوایی بشنود و چشم پس از کم نوری بنگرد، و انسان پس از دشمنی رام گردد (نهج البلاغه،

خطبه ۲۲۲). حسادت سرچشمه بسیاری از گناهان کبیره و همچنین یک خوی زشت شیطانی است که بر اثر عوامل مختلف مانند ضعف ایمان و تنگ نظری و ... در وجود انسان پیدا میشود و موجب میشود تا شخص به انکار حق پردازد و یا حتی به مبارزه با آن برخیزد. قرآن میفرماید بسیاری از اهل کتاب پس از اینکه حق برایشان آشکار شد از روی حسدی که در وجودشان بود، آرزو می کردند که شما را بعد از ایمانتان، کافر گردانند» (بقره ۱۰۹). شهوت آن خواسته نفسانی و غیر از خواسته پروردگار عالم است؛ یعنی هر چه که تراواشات نفسانی است. شهوت از هر نوعی (مالی، قدرت و ...) در پی پاسخ گویی مثبت به نیازهای غلط است و چون رضای الهی در آن نیست عملاً در تقابل با سلامت روح و روان قرار می گیرد. تسویل به عنوان انحراف از راست در آیه ۱۸ سوره یوسف آمده است؛ «بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمُ الْفُسْكَمُ» بلکه نفس شما کار (زشتی) را برای شما آراسته است. در مورد تزئین در اساس آیه ۳۹ سوره حجر آمده است که شیطان امور باطل و زشتیها را از راه میل و رغبتی که عواطف انسان به آنها دارد در نظر آنها زینت میدهد و به همین وسیله گمراهشان میکند. تلبیس مانعی است که انسان را در تشخیص حق از باطل دچار اشتباه می نماید به گونه ای که حضرت علی (ع) در این باره می فرماید؛ «فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مَرَاكِ الْحَقِّ لَمْ يَخَفْ عَلَى الْمُؤْتَدِينَ وَلَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لَبْسِ الْبَاطِلِ أَكْرَحَقَّ وَ بَاطِلٌ هَرْدُو خَالِصٌ بَاشَدَنَّ امْكَانَ انْحِرَافٍ وَجُودٌ نَدَارْدَ اَمَّا دَرِ اثَرِ تَلْبِيسِ انْسانِ دَرِ تَشْخِصِ حَقِّ وَ بَاطِلِ دِچارِ اشْتِباهِ مِيشُود (نهج البلاغه، خطبه ۵۰). تمامی این موانع با تاثیر گذاری بر روح و اختیار انسان مانع دستیابی او به سلامت روانی مورد تأیید دین اسلام می گردد.

تحلیل موانع تاثیرگذاری آموزه های اخلاقی بر سلامت روانی

موانع تاثیرگذاری آموزه های اخلاقی بر سلامت روانی شامل عوامل مختلفی می شود که از جمله آنها می توان به فقدان آموزش صحیح، تفسیر نادرست از مفاهیم دینی، و مشکلات اجتماعی و اقتصادی اشاره کرد. این موانع موجب می شوند که افراد نتوانند به درستی از آموزه های اخلاقی بهره مند شوند و در نتیجه، سلامت روانی آنها تحت تاثیر قرار گیرد. برطرف کردن این موانع نیازمند برنامه ریزی های جامع و هماهنگ در حوزه های آموزش و فرهنگ سازی است.

تاثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی بر سلامت روانی جامعه اسلامی

عوامل اجتماعی و اقتصادی نقش بسیار مهمی در سلامت روانی جامعه اسلامی دارند. فقر، بیکاری، نابرابری های اجتماعی و اقتصادی می توانند منجر به افزایش استرس، اضطراب و مشکلات روانی در افراد شوند. برعکس، تامین نیازهای اساسی و ایجاد شرایط اقتصادی پایدار، بهبود روابط اجتماعی و دسترسی به خدمات بهداشتی مناسب، می تواند به تقویت سلامت روانی افراد کمک کند.

بنابراین، سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و اقتصادی جامع و عادلانه برای حفظ و بهبود سلامت روانی جامعه ضروری است.

بررسی موانع فردی در تأثیرپذیری از آموزه‌های اخلاقی قرآن و نهج‌البلاغه

موانع فردی در تأثیرپذیری از آموزه‌های اخلاقی قرآن و نهج‌البلاغه می‌تواند شامل عواملی نظیر عدم شناخت کافی از این منابع، ضعف در ایمان و اعتقادات دینی، و تأثیرات منفی محیط اطراف باشد. فردی که به طور صحیح آموزش ندیده و آگاهی کافی از مفاهیم دینی ندارد، قادر به درک و پیروی از این آموزه‌ها نخواهد بود. همچنین، محیط ناسالم و تأثیرات منفی آن می‌تواند فرد را از مسیر اخلاقی دور کند. برای غلبه بر این موانع، نیاز به برنامه‌های آموزشی و تربیتی موثر وجود دارد.

موانع ساختاری در به کارگیری آموزه‌های اخلاقی در جامعه

موانع ساختاری شامل قوانین و سیاست‌های نادرست، عدم حمایت‌های لازم از سوی نهادهای اجتماعی و دینی، و ضعف در سیستم‌های آموزشی است که می‌تواند مانع از به کارگیری موثر آموزه‌های اخلاقی در جامعه شود. این موانع باعث می‌شوند که اصول اخلاقی به درستی در جامعه نهادینه نشوند و افراد نتوانند بر اساس این آموزه‌ها زندگی کنند. رفع این موانع نیازمند اصلاحات در سطوح مختلف ساختاری و ایجاد هماهنگی بین نهادهای مختلف اجتماعی و دینی است.

نتیجه‌گیری

مقدمات دستیابی انسان به منافع مادی و تعلیم و تربیت و رشد معنوی و حرکت در مسیر کمال حقیقی تنها در بستر جامعه فراهم می‌شود. لذا «اجتماع» بیشترین سهم را در تحول و پیشرفت و یا انحطاط و عقب‌گرد انسانی دارد که به اقتضای طبیعتش و بر حسب ضرورت و به حکم عقل، زندگی جمعی را برگزیده است. از نظر اسلام «اخلاق» عامل شرافت و اعتبار انسان و حاکم مطلق جامعه است و رشد و شکوفایی استعدادهای انسان در مسیر تکامل و تعالی و کمال مطلق در جامعه، بر پایه «اخلاق» بدست می‌آید زیرا اگر مرزهای اخلاق شکسته شود، حریم‌ها شکسته شده و پلیدی‌ها در روابط اجتماعی پدیدار می‌شود. هر چند واژه «اخلاق» در قرآن کریم نیامده است اما بسیاری از آیات قرآن، غیر مستقیم به این مقوله پرداخته است که برخی از این آیات دربردارنده واژگانی است که با «اخلاق» ارتباط مفهومی دارد و برخی دیگر بیانگر مصادیق رفتار اخلاقی است و آشکارا به تزکیه و تهذیب اخلاق ترغیب کرده و از رذایل اخلاقی باز می‌دارد. اخلاق اجتماعی نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخه‌های اخلاق اسلامی، ناظر بر بایدها و نبایدهای غیر الزامی اعم از

ملکات نفسانی و افعالی است که به روابط گروهی و اجتماعی مربوط می شود و بزرگترین سرمایه معنوی در جهت رسیدن فرد و جامعه به سعادت و کمال واقعی محسوب می گردد. امام واسطه فیض خداوند ورشته‌ی محکم معنویت در جامعه است پیوند و همبستگی معنوی با امام امت باعث تقویت معنویت فرد و جامعه و دوری از او سبب از بین رفتن آن می گردد. امیرالمومنین علیه السلام ترک عبودیت خداوند، دوری مردم از پیشوای معنوی (انسان کامل)، پناه بردن به معنویت غیر عقلانی، مادی شدن و مادی نگرستن، دنیا طلبی و تجمل گرایی، فقر در دو بعد مادی و معنوی (فقر فرهنگی، فساد اخلاقی و ...) را از جمله آسیب‌هایی می‌داند که بر پیکره سلامت معنوی جامعه وارد می‌شود. از این رو امیرالمومنین (علیه السلام) در طی دوران خلافت خود مبارزه گسترده‌ای را با غرور و خودپسندی و تعصب جاهلی که از پیامدهای این آسیب‌های معنوی است، آغاز نمود و این صفات را از آفت‌های شیطان معرفی نمود و تلاش وسیعی را برای سرکوب کردن اشرافیت قبیله‌ای و گذشته گرایی و تفاخرات جاهلی آغاز کرد. امیرالمومنین (علیه السلام) شیطان را بزرگ‌ترین مانع رسیدن جامعه به کمال می‌داند زیرا شیطان به عنوان بزرگ‌ترین دشمن انسان سعی می‌کند انسان‌ها را از مسیر عبودیت الهی، دین داری و معنویت حقیقی دور و به سوی معنویت‌های انحرافی و عبودیت خود سوق دهد.

از نظر اسلام به عنوان یک دین اجتماعی با آرمان‌ها و ایده‌های جمع گرا، ارزش‌های حاکم بر رفتار جمعی باید بر اصولی چون: عدالت، احسان، تقدم مصالح معنوی به خاطر ارزشمندی بیشتر نسبت به منافع مادی و اولویت در روابط اجتماعی استوار باشد تا مردم به منافع مادی و معنویشان دست یابند. حضرت علی (ع) نیز در نهج البلاغه به عنوان با ارزش ترین میراث جهان اسلام بعد از قرآن کریم، با بینش عقلانی اش، رویکردی منصفانه و متعادل به بعد اجتماعی و همگرایی با مردم دارد و رویکرد اخلاقی و فضیلت محور را در تدبیر امور مختلف زندگی از بنیادی ترین اهداف دین برمی شمارد و جامعه ای را اخلاقی می‌داند که حریم و حرمت‌ها در آن حفظ شده و حقوق مردم رعایت شود و مسئولین و خواص، التزام به اخلاق نیکو را به عنوان مهم ترین سرمایه در جلب اعتماد مردم به کار گیرند یعنی از یک سیاست اخلاقی پیروی کنند. از طرفی اخلاق یک مجموعه درهم تنیده با ساختار پیوسته است و فعل اخلاقی در صورتی معنا یافته و تحقق پیدا می‌کند که از بینش‌ها و ارزش‌ها و گرایش‌ها و روش‌های صحیح برآمده باشد و لذا اگر بخشی از آن دچار نقصان، ضعف و یا بی اخلاقی شود، همه اخلاق دچار تباهی می‌شود؛ پس برای نهادینه ساختن اخلاق در جامعه، باید تمام این بخش‌ها و حوزه‌های اخلاقی در کنار هم مد نظر قرار گرفته و اصلاح گردد.

بر این اساس، تعالیم قرآن کریم و نهج البلاغه بهترین مسیر و شیوه را در راستای تحقق اخلاق در جامعه پیش روی ما قرار می دهد چرا که آموزه های اخلاقی آنها، تمام ابعاد وجودی انسان را پوشش داده و ضمن شکوفا کردن استعدادهای فطری انسان، حرکت او را در بستر این فطرت به سوی کمال حقیقی اش تضمین می کنند. بر اساس آموزه های قرآن کریم و نهج البلاغه، خواست و اراده فردی و جمعی در جهت خروج از غفلت ها و تباهی ها و بی اخلاقی ها اولین گام در جهت نهادینه سازی اخلاق در جامعه است، همچنین قرآن و نهج البلاغه، انسان را متوجه ارزش وجودی و کرامت انسانی و جایگاه والایش در نظام آفرینش می کنند که در پرتو این بینش دهی صحیح، انسان به این درک می رسد که جوهر عالی نفسش با رذائل اخلاقی سازگاری ندارد و لذا انگیزه برای اخلاقی شدن و اخلاقی کردن جامعه در وی پدیدار می شود. آگاهی بخشی به مردم برای عالم شدن به اخلاق فاضله و شناخت قبح و زشتی اخلاق رذیله، جهت دهی صحیح به میل بقا و جاودانگی، مرگ اندیشی و یاد معاد که مانع شکستن مرزهای هنجارهای اخلاقی توسط انسان ها می شود، تصحیح بینش آدمیان نسبت به دنیا به عنوان معبد الهی و عرصه تمرین و آمادگی برای رقابت در میدان قیامت، گسترش و تقویت معنویت در جامعه، ایجاد باور به اجرایی شدن اصول اخلاقی در جامعه و بیان چگونگی اجرا شدن آن اصول از طریق ارائه الگوهای انسانی اخلاق مدار، تقویت گرایش پرواداری در وجود انسان به عنوان ملکه درونی که هم منجر به دور شدن از رذائل اخلاقی می شود و هم انسان را به سوی فضایل فرا می خواند، عدالت گستری و نگرش صحیح به قدرت و حکومت به عنوان ابزاری در جهت برپایی قسط و عدل، اخلاقی شدن سیاست و اتصاف سیاستمداران به ارزش های اخلاقی چون صابر و تقوا و امانات داری و وفای به عهد و پیمان و ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و قناعت و غنی کفایی به عنوان درمان موانع اقتصادی تحقق اخلاق در جامعه و توجه به نقش و کارکردهای خانواده در نهادینه سازی اخلاق از جمله مهم ترین عواملی است که اگر جامعه ای بخواهد در راستای اخلاقی شدن حرکت کند، باید آن ها را مد نظر قرار دهد. اما در نقطه مقابل علاوه بر فقدان این عوامل که خود مانعی در جهات تحقق اخلاق نیک در جامعه محسوب می گردد، موانعی چون: ساختار فساد اجتماعی و فاصله طبقاتی شدید و نقشی که طبقات مرفه و مترف در رواج بد اخلاقی ها و فساد و فسق و فجور و انحرافات اخلاقی در جامعه دارند و فرهنگ منحطی که در آن جای ارزش ها و ضد ارزش ها عوض شده باشد، همچنین فقر و ناداری و در طرف دیگر زیاده خواهی و تجمل گرایی و مال اندوزی که عامل غفلت از یاد خدا و خروج از حد اعتدال و میانه روی و مایه غرور و نخوت و تکبر و تهدید کننده ارزش های اخلاقی محسوب می گردند و مهم تر از همه کم رنگ شدن فریضه امر به معروف و نهی از منکر و رواج دروغ و کژی که عامل بی اعتمادی و کلید تمام گناهان است، بر سر راه تحقق اخلاق نیاک

در جامعه وجود دارد. لذا برای پیاده کردن ارزش های اخلاقی و نهادینه سازی آن در جامعه باید با شیوه درست و برنامه ریزی دقیق و همه جانبه و با همت مردم و مسئولین و بر اساس تعالیم وحی و تبعیت از سانت پیامبر(ص) و الگو قرار دادن سایره معصومین علیم الاسلام و آموزش افراد از طریق نهادهای آموزشی و پر رنگ کردن نقش خانواده در تربیت اخلاقی اعضایش، بسترهای لازم را در جهت تحقق این مهم فراهم آورد.

منابع

- باقری، خسرو. ۱۳۷۷، **مبانی و شیوه های تربیت اخلاقی**، تهران: انتشارات سازمات تبلیغات اسلامی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد. ۱۳۸۸. **غررالحکم و دررالکلم**، ترجمه لطیف راشدی، سعید راشدی، قم: پیام علمدار.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۷۸، **تعلیم و تربیت**، تهران: پیام آزادی.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۱، **مفاتیح الحیات**، قم: مرکز نشر اسرا.
- حاجی ده آبادی، محمد. ۱۳۷۷، **درآمدی بر نظام تربیتی اسلام**، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- حسینی، داوود. ۱۳۸۵، **اصول حاکم بر روش تشویق و تنبیه در تربیت اخلاقی**، مجله راه تربیت: ۱۱۹-۱۳۴.
- حیاتی، فاطمه، و علی محمدی، و عظیم عظیم پور. ۱۳۸۸، **بررسی نسبیت اخلاقی از دیدگاه قرآن و روایات**، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم و فنون دانشگاه علوم معارف قرآن کریم تهران.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷، **لغت نامه**. جلد چهارم از چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- سادات، محمد علی. ۱۳۸۰، **اخلاق اسلامی**. تهران: انتشارات سمت.
- سروش، عبدالکریم. ۱۳۷۲، **مدارا و مدیریت**. قم: انتشارات صراط.
- سروش، عبدالکریم. ۱۳۷۳، **حکمت و معیشت**. جلد دوم. تهران: انتشارات صراط.
- شاملو، سعید. ۱۳۷۸، **بهداشت روانی**، چاپ سیزدهم، تهران: رشد.
- صانعی دره بیدی، منوچهر. ۱۳۶۸، **فلسفه اخلاق در تفکر غرب**، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- طباطبایی، محمد حسین. ۱۳۶۳، **تفسیر المیزان**، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۲۰-۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- «**قرآن کریم**»، ۱۳۹۹، ترجمه حسین انصاریان، تهران: هادی مجد.
- کاویانی ارانی، محمد. ۱۳۹۷. **دورنمایی از روانشناسی اسلامی به عنوان یک مکتب**، دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اسلام و روان شناسی (ش ۲۳): ۶۹-۹۶.
- مصباح یزدی. محمد تقی. ۱۳۷۴، **بررسی و نقد مکاتب اخلاقی**، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۵، **مجموعه آثار**، جلد ۲، چاپ پنجم، تهران: انتشارات صدرا.
- ملک محمدی، نرجس، و فتح الله نجارادگان، و حسین معصوم بیگی. ۱۳۹۰، **نقش نظام هستی شناختی قرآن در ارتقای اخلاق زیست محیطی**، پژوهشنامه اخلاق (ش ۱۲): ۸۸-۶۳.
- نصرتی نصرآبادی، نصرت، و سید مهدی سجادی. ۱۳۷۹، **تربیت اخلاقی از نظر شهید مطهری و ویلیام جیمز**، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

نراقی، ملامهدی. ۱۳۸۵، **جامع السعاده**. ترجمه کریم فیضی، جلد ۱ و ۲، چاپ اول، قم: انتشار قائم آل محمد (عج).
«نهج البلاغه». ۱۳۸۷، ترجمه سید جعفر شهیدی، چاپ بیست و هشتم، تهران: علمی و فرهنگی

Palmer, Michael, *Moral Problems*, the Lutterworth Press, Cambridge, 1995.

Moore, G. *Principia Ethica*, Cambridge University Press, Cambridge, 1903.

COPYRIGHTS

© 2025 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: خسرو نژاد مهدی، فتحعلیانی حامد، حسینی سیدحمید، بررسی موانع تاثیر آموزه های اخلاقی قرآن کریم و نهج البلاغه بر سلامت روانی جامعه اسلامی، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۶، شماره ۶۱، بهار ۱۴۰۴، صفحات ۱۸۴-۲۰۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی